

ایجاد شرکت‌های مشاور فرهنگی-اجتماعی: گشاینده‌گره پیوست‌نگاری

نویسنده: محمد امین شفیق‌خانی، پژوهشگر اندیشکده حرف پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف





گره تقریباً بیست ساله پیوست فرهنگی چگونه باز خواهد شد؟ این پرسشی است که دغدغه‌مندان حوزه فرهنگ را به خود مشغول داشته است. در این یادداشت پاسخ این پرسش را در دل یک نهادسازی و جامعه‌پردازی از جنس نهادهای کنشگر میانجی می‌جوئیم: ایجاد مجموعه‌ای از عوامل یا شرکت‌های مجاز به پیوست‌نگاری فرهنگی- اجتماعی که پیشران گشودن این گره و مستعدّ رفع این انسداد هستند. شرکت‌هایی که هرچند کارویژه پیوست‌نگاری فرهنگی- اجتماعی را پی می‌گیرند اما میتوان وظایف آنها را ذیل عنوان فراگیرنده‌تر «شرکت‌های مشاور فرهنگی- اجتماعی» تعریف نمود.

۱-نگاهی به پیشینه ارزیابی آثار در جهان و ایران

ما با ظهور ارزیابی آثار در سطح جهانی و در امتداد آن، در سطح ملی مواجه هستیم. ارزیابی تأثیرات، ادبیاتی مرتبط با دغدغه توسعه پایدار و مدیریت آثار سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای است که از دهه‌های گذشته در سطح جهانی و در دو الی سه دهه اخیر در سطح ملی مطرح گردیده است. در سطح جهانی سه نوع ارزیابی آثار مطرح شده است: زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی.

قدیمی‌ترین نوع ارزیابی، ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی است. این نوع از ارزیابی از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در آمریکا مطرح شد و با برخی تغییرات و اصلاحات، بر اساس قانون ملی سیاست زیست‌محیطی آمریکا همچنان در جریان است. در ایران نیز این نوع از ارزیابی از حدود سال ۱۳۵۳ با اقدامات قانونی در جهت حمایت از محیط‌زیست شروع شد، اما در آغاز دهه هفتاد با مجموعه‌ای از اصلاحات قانونی، جریان ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی تقویت یافت. در سال ۱۳۷۶، آیین‌نامه در حمایت از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی تصویب شد و علاوه بر آن، دفتر ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی ذیل سازمان ملی حفاظت از محیط‌زیست شکل گرفته و متصدی این مهم گردید. مواد قانونی مختلفی در دهه ۸۰ و ۹۰ نیز در حمایت از این جریان تأمین و مصوب شد، که نتیجه آن، انجام ۸۶۹ گزارش ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی در سالهای ۹۲ تا ۹۹ و نیز ایجاد ۲۹۲ کمیته ارزیابی و صدور ۳۴۰ مجوز ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی بوده است (حسین‌زاده، ۱۴۰۱).

جدول ۴. تعداد گزارش‌های ارزیابی زیست‌محیطی بررسی شده در کمیته‌های ارزیابی (۱۳۹۲-۱۳۹۹)^(۱)

سال	تعداد کمیته‌های ارزیابی	تعداد طرح‌های مطروحه	مجوزهای صادره
۱۳۹۲	۱۹	۷۰	۵۳
۱۳۹۳	۲۱	۴۴	۷
۱۳۹۴	۳۶	۱۲۷	۱۸
۱۳۹۵	۱۷	۸۲	۲۹
۱۳۹۶	۴۲	۱۹۷	۶۲
۱۳۹۷	۳۹	۱۴۶	۶۴
۱۳۹۸	۳۵	۱۰۰	۵۳
۱۳۹۹	۴۳	۱۰۳	۵۴
جمع کل	۲۵۲	۸۶۹	۳۴۰

این تعداد مجوز، در عمل منجر به شکل‌گیری عوامل و شرکت‌هایی شده که خدمات ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی را ارائه می‌دهند. پس شکل‌گیری شرکت‌های متعدد ارزیاب، از دستاوردهای توسعه ارزیابی آثار زیست‌محیطی در ایران است.

پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی به عنوان موج اول ارزیابی تأثیرات، ارزیابی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی در سطح جهانی در موج دوم ارزیابی تأثیرات گسترش یافت. در ایران نیز موج ارزیابی تأثیرات اجتماعی با یک تأخیر چند دهه‌ای از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی به راه افتاد. سخن از ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایران اگرچه در حاشیه ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی آغاز شده بود، اما به طور جدی از آغاز دهه ۹۰ شمسی و در قالب یک مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح گردید. اگر «پیوست فرهنگی» را به طور ضمنی دربرگیرنده هر دو نوع ارزیابی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی لحاظ نماییم، فارغ از طرح این عبارت توسط مقام رهبری در سال ۱۳۸۶، عبارت پیوست فرهنگی اولین بار در ماده ۲ فصل اول برنامه پنجم مندرج شد و دولت در آن، موظف به تهیه پیوست فرهنگی طرح‌های مهم گردید. در برنامه ششم (ماده ۸۰ بند ۲) و برنامه هفتم (ماده ۱۹ و ۸۵) نیز از عبارات نزدیک به هم «پیوست فرهنگی، پیوست اجتماعی یا پیوست فرهنگی- اجتماعی» یاد شده و الزاماتی را برای دولت در پی آورده است.

ورای این تمهیدات سیاستی و حقوقی در خصوص ارزیابی تأثیرات فرهنگی- اجتماعی، ما در این خصوص با وضعیت مطلوبی مواجه نیستیم. ارزیابی تأثیرات اجتماعی در دهه ۹۰ نه به صورت التزام به قانون، بلکه به صورت تقریباً خودجوش از سوی تعداد محدودی از نهادها پی گرفته شده است. به جرئت می‌توان گفت که شهرداری تهران مهم‌ترین این نهادهاست. به همت شهرداری تهران و ذیل دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی آن، حدود ۱۱۳۰ گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی تولید شده است. در کنار شهرداری تهران، شهرداری کلان‌شهرهایی همچون مشهد و کرج نیز قرار دارند که هر چند نه به تعداد شهرداری تهران، بلکه صرفاً حدود ۲۰ الی ۳۰ گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی توسط هر کدام از این دو شهرداری نیز تهیه شده است. اما طبیعتاً این مقدار گزارش تولیدی در ارزیابی تأثیرات اجتماعی، آن هم به صورت غیر متمرکز و خودجوش، ضعف محسوس وضعیت ارزیابی تأثیرات اجتماعی را در مقابل ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. نکته مهم اینجاست که در ارزیابی تأثیرات اجتماعی، ما با عاملان، شرکت‌های گوناگون و در نتیجه، با هیچ زیست‌بوم فراگیری مواجه نیستیم.

اما ناگوارتر از وضعیت ارزیابی تأثیرات اجتماعی، وضعیت ارزیابی تأثیرات فرهنگی است. این نوع ارزیابی، یا تقریباً همان پیوست‌نگاری فرهنگی، روزگار آشفستگی و انفعال را از همان ابتدا به خود دیده است. لیکن خروجی این وضعیت، چیزی غیر از وجود یک شرکت پیوست‌نگاری فرهنگی (شرکت افق) و سفارش چند پیوست فرهنگی محدود، آن هم به عنوان اقداماتی صرفاً داوطلبانه و دغدغه‌مندانه از سوی مدیران دغدغه‌مند نبوده است. واقعیت اینست که عرصه زیست‌محیطی به دلیل ملموس بودن آسیب‌های آن، پیشتر از عرصه اجتماعی و فرهنگی مورد توجه و حراست قرار گرفت؛ در حالیکه بی‌شک آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، نه تنها کم‌اهمیت‌تر از آسیب‌های زیست‌محیطی نیستند بلکه می‌توانند آثاری به مراتب عمیق‌تر و زیان‌بارتر از صدمات زیست‌محیطی را در پی داشته باشند.

❖ ۲- چستی شرکت‌های مشاور فرهنگی - اجتماعی

همانگونه که در مورد ارزیابی آثار زیست‌محیطی اشاره شد، عوامل و شرکت‌هایی در نتیجه توسعه و تقویت این نوع از ارزیابی ایجاد گردیده که ارائه دهنده خدمات ارزیابی زیست‌محیطی بوده و پذیرای پروژه‌ها و موارد ارزیابی از کارفرمایان دولتی و خصوصی هستند. در خصوص ارزیابی آثار فرهنگی و اجتماعی نیز - به عنوان دو حوزه دارای قرابت‌های جدی به یکدیگر - در پی ایجاد یک مجموعه از شرکت‌های ارزیاب آثار فرهنگی-اجتماعی هستیم که به ارائه خدمات در این خصوص اقدام نمایند. در واقع این شرکت‌ها، مجموعه‌هایی هستند که بنا بر ضوابطی معین و در روندی مشابه شرکت‌های ارزیاب آثار زیست‌محیطی، اقدام به ارائه خدمات ارزیابی و پیوست‌نگاری فرهنگی-اجتماعی در موضوعات مختلف، به ویژه در سیاست‌ها، اقدامات، برنامه‌ها و طرح‌های کلان و اولویت‌دار می‌نمایند.

بر اساس ظرفیت‌های ساختاری و ادبیات موجود در بدنه حکمرانی فرهنگی کشور، مأموریت پیوست‌نگاری فرهنگی-اجتماعی بایستی اصلی‌ترین اقدام و هدف این شرکت‌ها باشد، اما میتوان با تعریف هویت این شرکت‌ها به عنوان مشاوران فرهنگی-اجتماعی، مأموریت ایشان را بسط داده و امکان ارائه خدماتی متنوع‌تر از صرف پیوست‌نگاری را در قالب مشاوره فرهنگی-اجتماعی متصور شد؛ امکانی که کنشگری این عناصر مؤثر پایش و مهندسی فرهنگی-اجتماعی کشور را معطوف به نیاز مخاطبان متنوع دولتی، خصوصی و عمومی منعطف می‌نماید.

۳- لوازم ایجاد و تثبیت شرکت‌های مشاور فرهنگی- اجتماعی

لازمه اساسی، ایجاد زیرساخت‌ها و لوازم تقنینی این شرکت‌هاست. در واقع این شرکت‌ها ابتدا نیاز به مصوباتی در خصوص قانونمند شدن و تعیین کیفیت و روند اعطای مجوز دارند، و ثانياً به یک حمایت تقنینی به عنوان ضمانت اجرایی اسناد مشاوره‌ای و پیوست‌های نگاشته‌ی خود نیازمندند. اساساً بدون وجود این ضمانت اجرایی، نهاد نوپای شرکت‌های مذکور ایجاد نخواهد شد. البته در این قسمت، پیشنهاد می‌شود که از سرنوشت و وضعیت ارزیابی آثار زیست‌محیطی و نیز ارزیابی آثار اجتماعی عبرت گرفته شود و کاستی‌های روند این دو حوزه را به سرمایه معقول نهادسازی مذکور در حوزه فرهنگ بدل نمایند.

لازمه دیگر، تعبیه اقتصاد این شرکت‌ها در قالب مواد الزام‌آور قانونی است. این حقیقت‌گریزناپذیر است که شرکت‌های مشاور فرهنگی-اجتماعی، کسب‌وکارهایی هستند که بخش اصلی مشتریان آن را «دولت» و شرکت‌های وابسته به آن شکل خواهد داد؛ از آن روی که طرح‌های کلان و مهم^۱ مشمول پیوست‌نگاری فرهنگی-اجتماعی، عمدتاً توسط عوامل دولتی طراحی و اجرا می‌شوند.

۱- مطابق مواد قانونی موجود، نظیر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در دولت دهم، پیوست فرهنگی محدود به طرح‌های اولویت‌داری می‌شود که «طرح‌های کلان و مهم» خطاب می‌شوند.

لذا شرکت‌های مشاور فرهنگی-اجتماعی، نیازمند طراحی موادی قانونی هستند که اولاً دولت و توابع آن را ملزم به رجوع به شرکت‌های مذکور نماید، و ثانیاً منابع مالی این شرکت‌ها را تأمین نماید. این مواد قانونی می‌تواند چیزی شبیه به تبصره‌های مسئولیت اجتماعی یا تخصیص درصدی از بودجه دستگاه‌ها به این مهم باشد.

در امتداد لازمه پیشین، بایستی به لازمه «اهتمام مشفقانه دولت» به این شرکت‌ها اشاره نمود. حقیقت اینست که اگر دولت به خودی خود همت و اعتنایی ویژه به شکل‌گیری و تثبیت این شرکت‌ها معطوف ننماید، این نوپاها پای نخواهند گرفت. نقش حمایتی دولت تا حدی است که حتی اگر مسائلی چون تأمین مواد قانونی و ردیف بودجه الزام‌آور برای این شرکت‌ها محقق نشود، باز هم دستگاه‌های کوچک و بزرگ دولتی می‌توانند با سفارش کار به این شرکت‌ها، به ایجاد و تثبیت آنان کمک نمایند.

شرکت‌های مشاور فرهنگی-اجتماعی در این یادداشت به مثابه کلید گشایش قفل تحقق پیوست فرهنگی-اجتماعی پس از سالیان متمادی انگاشته شده‌اند. حقیقت اینست که سدّ معطل نگه داشتن ظرفیت این ابزار مهم سیاستگذاری فرهنگی-اجتماعی، می‌تواند با فعال ساختن ظرفیت تشکل یافته نیروهای انسانی دغدغه‌مند و مطالبه‌گر در قالب این شرکت‌ها شکسته شود. می‌توان گفت که در صورت طراحی شایسته شکل و ساختار حقوقی این شرکت‌ها - به نحوی که نوعی استقلال از کارفرما به طور ذاتی برای این شرکت‌ها لحاظ گردد و امکان نقادی صریح پروژه‌ها مورد پیوست نگاری یا مشورت‌دهی را بیابند-، نهاد نوپای مذکور می‌تواند به مثابه یک نهاد مدنی یا حلقه میانی از کنشگران فعال مردمی در عرصه فرهنگ عمل نماید که در نقطه میانجی و اتصال مردم-حاکمیت قرار گیرد و از ارزش‌ها و دغدغه‌های فرهنگی اصیل اسلامی-ایرانی پاسبانی نماید.

اساساً می‌توان گفت مجموعه این شرکت‌های مشاور فرهنگی-اجتماعی، یک شبکه و زیست‌بومی را شکل خواهند داد که با تعریف یک اقتصاد و بوم کسب‌وکار مطلوب و پایدار، می‌توانند پیشران دغدغه‌هایی تمدنی همچون «جامعه‌پردازی» و «مهندسی فرهنگی کشور» در موضوعات مختلف واقع شوند.

منابع

- حسین‌زاده، م. (۱۴۰۲). مروری بر وضعیت و چالش‌های ارزیابی اثرات محیط زیستی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه ششم پنج‌ساله توسعه اقتصادی، ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
- قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)

